



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 19, No. 1, (Serial. 37), Autumn 2025 & Winter 2026

10.30497/qhs.2025.248394.4151

Research Paper

Content Analysis of Mahdism Narrations in the Hadith School of Qom up to the Era of Shaykh Ṣadūq

Moslem Kamyab *

Received: 30/04/2025

Accepted: 08/09/2025

Abstract

The Hadith School of Qom is one of the important and influential scholarly centers of the Imami tradition, which has always attracted the attention of researchers. However, existing studies on Mahdism teachings within the Qom school suffer from certain shortcomings most notably, the lack of a school-centered perspective and insufficient content analysis of the related narrations. A careful examination of the Mahdist narrations from this school provides a clearer picture of its doctrinal teachings on the subject. Accordingly, the present study, employing a descriptive-analytical method and based on content analysis, extracts 358 narrations from the hadith heritage of Qom's traditionists in order to analyze the Mahdist teachings of this school prior to the era of *Shaykh Ṣadūq*. Initially, based on existing sources, the greatest number of direct transmissions are found in the works of the late *Kulaynī*, particularly in his book "*al-Hujjah*". In intermediary sources, however, *Shaykh Ṣadūq* given his residence in that region played a significant role in transmitting and preserving the Mahdist legacy of the scholars of Qom. Based on the thematic analysis, from the collected narrations approximately 468 analytical units (including sentences, phrases, and hadith contents) were extracted. These were organized into four main categories: The personal characteristics of Imam Mahdī (PBUH), The period of occultation (*ghaybah*), The signs of appearance (*ẓuhūr*), and The period of appearance itself. Among these, the themes of the Imam's lineage, occultation, expectation (*intizār*), epistles (*tawqī'āt*), and the Imam's behavioral characteristics in the era of appearance had the highest frequency, reflecting the dominant discourse of the Hadith School of Qom. In contrast, topics such as the physical depiction of the Imam, Mahdist supplications, and signs of the appearance held relatively minor positions among Qom's traditionists. The presence of certain extraordinary reports further indicates the text-centered and literalist orientation of the Hadith School of Qom.

Keywords: *Imam Mahdi (PBUH), Mahdism, Qom Hadith School, Quantitative Content Analysis, Qualitative Content Analysis.*

© The Author(s) 2025.

* Mahdism Flowology Department, Mahdism and Future Studies Research Institute, Islamic Science and Culture Research Institute, Qom, Iran. (m.kamyab@isca.ac.ir)





دانشگاه امام صادق



<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۳۷
پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص ۲۱۹-۱۹۳

doi 10.30497/qhs.2025.248394.4151

مقاله پژوهشی

تحلیل محتوای روایات مهدویت در مدرسه حدیثی قم تا دوران شیخ صدوق (ره)

مسلم کامیاب*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

مدرسه حدیثی قم، یکی از مراکز علمی مهم و اثرگذار در مکتب امامیه است که همواره مورد توجه محققان بوده است. مطالعات موجود درباره آموزه‌های مهدویت در مدرسه قم، با کمبودهایی از جمله فقدان نگاه مدرسه‌محور و تحلیل ناکافی محتوای روایات مواجه است. بررسی دقیق روایات مهدوی این مدرسه، تصویر روشنی از آموزه‌های مهدوی آن دوره ارائه می‌دهد. از این رو، نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس «تحلیل محتوا»، با استخراج ۳۵۸ روایت از میراث محدثان قم، به تحلیل آموزه‌های مهدویت در این مدرسه تا پیش از دوره شیخ صدوق پرداخته است. در ابتدا، بر اساس منابع موجود، بیشترین نقل در منابع مستقیم، توسط مرحوم کلینی و آن هم در کتاب «الحجه» صورت گرفته است؛ اما در منابع واسطه‌ای، شیخ صدوق (ره) (با توجه به زیست او در آن دیار) نقش مؤثری در نقل و بقای میراث مهدوی قمی‌ها داشته است. بر اساس موضوعات بررسی‌شده، از میان مجموعه روایات، نزدیک به ۴۶۸ واحد تحلیل (شامل جمله، عبارت و مضمون حدیثی) استخراج گردید. این واحدها در چهار محور اصلی ساماندهی شدند: ویژگی‌های شخصی امام مهدی (عج)، دوران غیبت، نشانه‌های ظهور و دوران ظهور. در این میان، شناخت تبار امام مهدی، غیبت، انتظار، توقیعات و رفتارشناسی امام در عصر ظهور، از بسامد بالایی برخوردار بود که خود حکایت از گفتمان غالب مدرسه حدیثی قم دارد. در مقابل، مسئله شمایل امام، ادعیه مهدوی و نشانه‌های ظهور، چندان جایگاهی در میان محدثان قم نداشته است. وجود برخی از گزارش‌های فوق‌العاده، نشان‌دهنده روحیه نص‌گرایی مدرسه حدیثی قم است.

واژگان کلیدی: امام مهدی (عج)، مهدویت، مدرسه حدیثی قم، تحلیل محتوای کمی، تحلیل محتوا کیفی.

* استادیار گروه جریان‌شناسی مهدویت، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

(m.kamyab@isca.ac.ir)

طرح مسئله

در کتاب‌های حدیثی، روایات فراوانی مرتبط با موضوع مهدویت ثبت شده است که در طول دوران، با رویکردهای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در قرون اولیه، هدف مؤلفان، جمع‌آوری روایات و حفظ میراث شیعی بوده است. سه کتاب خاص در موضوع مهدویت با نام‌های «الغیبه» تألیف محمد بن ابراهیم نعمانی (د ۳۶۰)، «کمال‌الدین و تمام النعمه» اثر شیخ صدوق (د ۳۸۱) و «الغیبه» نوشته‌ی شیخ طوسی (د ۴۶۰)، بر همین اساس به نگارش درآمده‌اند. بعد از دوران رکود حدیث شیعه، در قرن دهم، علامه مجلسی با تدوین «بحارالانوار» و اختصاص جلد‌های ۵۱ تا ۵۳ به روایات مهدویت، خدمت شایانی به حفظ و نگهداری میراث روایی نمود. این روند در کتاب «منتخب الأثر» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰ش) و «معجم أحادیث الإمام المهدی» (کورانی و همکاران، ۱۴۲۸ق)، در قالب معجم‌نگاری، شکلی تکامل یافته به خود گرفت. علاوه بر آثار پیش‌گفته مذکور، برخی از پژوهش‌ها با رویکردی حدیثی و به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌ها و مسائل خاص، به نگارش درآمده‌اند. به‌عنوان نمونه، کتاب «کشف التعمیه فی حکم التسمیه» (حر عاملی، ۱۴۲۵ق) با هدف بررسی حکم جواز یا عدم جواز نام‌بردن از امام مهدی (عج) سامان یافته است. همچنین، کتاب «موسوعه الإمام المهدی» (صدر، ۱۴۲۱ق) برای تحلیل مسائل تاریخی، به‌طور گسترده از روایات شیعی بهره برده است. در سال‌های اخیر، شماری از مطالعات حدیثی در حوزه مهدویت، در قالب تک‌نگاشت‌هایی با محوریت موضوعات خاص صورت گرفته است. از جمله این آثار، می‌توان به مجموعه دروس خارج آیت‌الله طوسی اشاره نمود که با اتکا بر روش‌های متداول سندمحور و متن‌محور، از جمله مباحثی همچون توقیت، نشانه‌های ظهور، و اصحاب و یاران امام مهدی (عج)، به انتشار رسیده است (طوسی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷). دستاورد این دست‌کوشش‌ها عمدتاً معطوف به اثبات یا نفی یک مسئله خاص است که هرچند در چارچوب خود، برای مخاطبان ارزشمند است. با این وصف، این احادیث با توجه به رویکرد «مدارس حدیثی» مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند. در این میان، مدرسه قم - که وجهه آن عمدتاً با رویکرد حدیثی شهره شده است - از اهمیت والایی برخوردار است.

قم به‌عنوان یکی از کانون‌های علمی برجسته جهان تشیع، با میزبانی از محدثان و عالمان نامدار در حوزه حدیث، جایگاهی رفیع در میان مراکز حدیثی شیعه به دست آورده بود. این شهرت علمی سبب شد دانشمندان و محدثان شیعی از دیگر مناطق، نگاهی احترام‌آمیز و مثبت به این حوزه علمی داشته و پیوندهای مستحکم علمی و دینی با آن برقرار کنند. با این وجود، در دوران ابتدایی انتقال میراث حدیثی به قم تا پیش از شیخ صدوق، تصویری

روشن از مسئله‌ای مهم همچون مهدویت مشاهده نمی‌شود. بازشناسی این میراث، آن هم از منظر یک مدرسه پرنفوذ، فهم دقیق‌تری از مسئله مهدویت به دست خواهد داد.

بر همین اساس، نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تصویری روشن از روایات مهدوی در مدرسه حدیثی قم، تا پیش از شیخ صدوق ارائه دهد. از این رو، مسائلی چند قابل طرح است: مهم‌ترین روایات مهدویت در کدام منابع بازتاب یافته است؟ آموزه‌های مهدویت در این منابع شامل چه مواردی است؟ کدام یک از این آموزه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و چگونه قابل تحلیل خواهد بود؟ انتخاب این دوره زمانی به پیش از صدوق، با این ملاحظه صورت گرفته که شیخ صدوق (ره) با توجه به فراوانی اخذ روایات مهدوی از مدارس دیگر، نقطه عطفی در حوزه حدیث پژوهی مهدویت به شمار می‌رود؛ از این رو، نمی‌توان روایات وی را به‌طور کامل محصول مدرسه قم دانست.

پیشینه تحقیق

با توجه به رسالت پژوهش حاضر که بررسی پیوند میان مهدویت و مدرسه حدیثی قم است، پژوهش‌های موجود در این حوزه را می‌توان به دو گونه تقسیم نمود: گونه نخست، شامل تئنگاری‌های متعددی است که با رویکردی تاریخی و حدیثی به بررسی مدرسه حدیثی قم پرداخته‌اند. این آثار عمدتاً در پی معرفی شهر قم، میراث حدیثی و چهره‌های شاخص این مدرسه بوده‌اند. نمونه شاخص این دسته، کتاب «مکتب حدیثی قم» اثر محمدرضا جباری است که به جایگاه علمی قم، امتیازات محدثان قمی و مرجعیت علمی این حوزه اشاره دارد. همچنین در این اثر، حساسیت بالای محدثان قمی در نقل روایات و مخالفت آنان با اخبار ضعیف و غلوآمیز مورد تأکید قرار گرفته است (جباری، ۱۳۸۴). پژوهشی دیگر با عنوان «دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی؛ گفت‌وگو میان قم و بغداد»^۱ توسط آندرو جی. نیومن^۲، شرق‌شناس معاصر منتشر شده است (۱۳۸۶ش). این اثر به بررسی فرآیند شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی و مسائل حدیثی قرن سوم می‌پردازد و محور اصلی آن، تحلیل سه کتاب حدیثی «محاسن برقی»، «بصائر الدرجات صفار» و «الکافی کلینی» است. از مهم‌ترین یافته‌های نیومن در حوزه مهدویت این است که برقی در کتاب «محاسن» به مسئله غیبت و دوازده امام اشاره نکرده و رویکرد او عمدتاً معطوف به احادیث عبادی است. به باور نیومن، امیدواری شیعیان به حضور قریب الوقوع امام، سبب عدم نقل گسترده احادیث غیبت

^۱. The Formative Period of Twelver Shī'ism: Hadīth as Discourse Between Qom and Baghdad .

^۲. Andrew Newman.

شده است؛ از این رو، روایات مهدویت برقی بیشتر حول محور انتظار شکل گرفته است (نیومن، ۱۳۸۶ش، ص ۲۰۳). وی در تحلیل کتاب «بصائر الدرجات» نتیجه می‌گیرد که اگرچه صفار تصویری معجزه آسا از ائمه ارائه داده است اما در این زمینه نیز کوتاهی کرده و تنها به معدود روایات درباره عدد ۱۲ و غیبت اکتفا نموده است. به عقیده او، مجموعه احادیث صفار بازتابنده نیازهای خاص شیعیان قم در اواسط و اواخر قرن سوم است (نیومن، ۱۳۸۶ش، ص ۲۵۳). در مقابل، کلینی، همزمان با دوران غیبت، به شکلی شفاف به این مسئله پرداخته و ابوابی ویژه را به آن اختصاص داده است (نیومن، ۱۳۸۶ش، ص ۲۵۳). نیومن در تحلیل احادیث شیعه، با تکیه بر پیش‌فرض‌های خاص خود، گاه دچار بی‌انصافی‌هایی شده که پذیرش آنها برای محققان شیعی دشوار است و لازم است در جای خود مورد نقد جدی قرار گیرد. از دیگر آثار مرتبط، مجموعه مقالاتی است با عنوان «جستارهایی در مدرسه حدیثی قم» که تحت اشراف محمدتقی سبجانی (۱۳۹۵ش) منتشر شده است. محورهای اصلی این مقالات عبارت‌اند از: «شکل‌گیری مدرسه قم»، «اندیشه‌ها و آثار» و «شخصیت‌ها». همان‌گونه که از عنوان اثر برمی‌آید، این مجموعه فاقد سبک واحد بوده و مشتمل بر مقالاتی پراکنده است. در این اثر کوشیده شده تا با معرفی مدرسه قم و تبیین خاستگاه آن، تصویری نسبتاً روشن از فضای فکری حاکم بر این مدرسه، رویکردهای خاص آن و نیز شناخت بهتر چهره‌های شاخص آن دوره ارائه گردد.

گونه دوم، مطالعاتی است که با رویکرد مدرسه حدیثی قم به مسئله مهدویت پرداخته‌اند. نمونه آن مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی تطبیقی احادیث مهدویت در مکاتب حدیثی قم، بغداد و اصفهان» اثر علی راد و مریم نساج است. در این مقاله، روش‌شناسی روایی و عقلی سه کتاب «کمال‌الدین» (نمایند قم)، «الارشاد» (شیخ مفید (نمایند بغداد) و «بحارالانوار» مجلسی (نمایند اصفهان) مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است (راد و نساج، ۱۳۹۵ش، صص ۵۹-۸۶). با توجه به تمرکز پژوهش حاضر بر دوران پیش از شیخ صدوق، این مقاله خارج از محدوده موضوعی این تحقیق قرار می‌گیرد. به تازگی، مجموعه مقالاتی با رویکردی متن‌بنیاد و با تأکید بر متون مدرسه حدیثی قم به انتشار رسیده است. مقاله‌ای تحت عنوان «دراسة حول منهج علی بن ابراهیم القمی فی الروایات المهدویة فی تفسیر القمی» به تحلیل محتوایی روایات مهدوی در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی اختصاص یافته است. نویسندگان در این مقاله، با واکاوی شخصیت علی بن ابراهیم قمی و مسئله انتساب تفسیر به او، نتیجه گرفته‌اند که این اثر به طور کامل از وی نیست و بخش‌هایی از آن در دوران پس از او افزوده شده است. در ادامه با به کارگیری روشی علمی و استناد به اسناد ابتدایی روایات، احادیث مرتبط با این محدث تحلیل شده است. نکته قابل توجه، عدم بازتاب این روایات در منابع متأخر است (کامیاب و طباطبایی، ۲۰۲۴م، صص ۱۱۳-۱۳۸). مقاله



ای دیگر با عنوان «بررسی و تحلیل روایات مهدوی قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری» به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در این اثر، به واکاوی شخصیت عبدالله بن جعفر حمیری و تحلیل روایات مهدوی این کتاب همت گمارده و در نهایت بدین نتیجه دست یافته است که هرچند بازتاب روایات حمیری در منابع هم‌عصر و متأخر محدود بوده، اما بیشتر آنها با آموزه‌های اصیل مهدویت و مکتب تشیع همخوانی دارد (کامیاب، ۱۴۰۳ش، ص ۷۵-۱۰۰).

روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو با روش تحلیل محتوا به سامان رسیده است. این روش از نظر ماهیت، روشی کمی تلقی می‌شود که از رهگذر آن، محتوای کیفی منابع مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی از صاحب‌نظران، این روش را شیوه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به شمار می‌آورند. این شیوه ابتدا در حوزه علوم ارتباطات به کار گرفته شد، ولی در حال حاضر در تحلیل‌های مختلف متون نیز کاربرد دارد. روش تحلیل محتوا، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا به تهیه، بیان و ارزیابی متنی مستقل و عاری از دخالت و پیش‌داوری دست یابد (خنifer، مسلمی، ۱۳۹۷ش، ص ۷۷). در تعریف علمی این روش آمده است، «روشی است که به کمک آن می‌توان پیام‌های یک متن را به صورتی عینی و منظم تشریح کرد» (خنifer، مسلمی، ۱۳۹۷ش، ص ۷۷).

در این روش، پس از تقطیع جملات، به استخراج، جداسازی موضوعات اصلی و فرعی و طبقه‌بندی آنها پرداخته می‌شود و در نهایت، مضمون اصلی تحت عنوان «مقوله» کشف خواهد شد. در این نوشتار، تحلیل محتوا بر اساس واحدهای تحلیل شامل «جملات» و «کلیدواژگان» اصلی و فرعیِ روایی انجام شده است. مراحل کار به شرح زیر است:

۱. جمع‌آوری و تفکیک احادیث مدرسه قم بر اساس مسئله پژوهش؛
 ۲. بررسی محتوایی برای شناسایی موضوعات اصلی و کلیدواژگان؛
 ۳. استخراج موضوعات فرعی مرتبط با هر موضوع اصلی؛
 ۴. دسته‌بندی موضوعی؛
 ۵. ارائه اطلاعات آماری در قالب نمودار؛
 ۶. تحلیل کیفی احادیث هر دسته (با تمرکز بر مهم‌ترین و خاص‌ترین موضوعات)؛
- با اجرای این شش مرحله، می‌توان آموزه‌های مورد اهتمام مدرسه حدیثی قم را از جنبه‌های آماری و محتوایی به صورت دقیق و شفاف مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

۱. بررسی ضابطه‌مند روایات مهدوی مدرسه قم

برای دستیابی به میراث مهدوی مدرسه قم، ضروری است به منابع متعلق به آن دوره مراجعه نموده و پس از واکاوی این متون، روایات مرتبط با مسائل و موضوعات مهدویت را استخراج و طبقه‌بندی نماییم. این منابع به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱-۱. منابع اصیل

منابع اصیل در این پژوهش، به آثاری اطلاق می‌شود که توسط محدثان قم در بازه زمانی مورد مطالعه، تألیف شده و اکنون در دسترس اند. این منابع شامل موارد زیر هستند:

«محاسن» برقی، «بصائر الدرجات» صفار، «تفسیر علی بن ابراهیم قمی»، «قرب الاسناد» حمیری، «الکافی» کلینی و «کامل الزیارات» ابن قولویه.

در مورد «تفسیر قمی»، تنها روایات مهدوی با اسناد معتبر، که با عبارت «حدثنی ابی» آغاز شده‌اند، مورد استناد قرار گرفته‌اند، زیرا تمام این تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی نیست. همچنین در «الکافی»، با توجه به تلفیق میراث حدیثی مدارس مختلف (مانند ری و بغداد)، تنها روایات مهدوی که منشأ قمی دارند، بررسی شده‌اند.

۲-۱. منابع واسطه‌ای

برخی از روایات مهدوی در منابع متأخر به دوران پیش از شیخ صدوق بازمی‌گردند. این روایات با تکیه بر اسناد موجود در منابع پسین و با معیارهایی نظیر حضور چند قمی در سند و تحلیل فهرستی، بازایی شده‌اند. اهمیت این منابع در آن است که نه تنها میراث حدیثی محدثان قم را احصا می‌کنند، بلکه افکار و اندیشه‌های مهدوی این مکتب را نیز قابل دسترسی می‌سازند. از جمله این منابع که حاوی روایات با اسناد قمی هستند، می‌توان به «الغیبه» نعمانی، آثار شیخ صدوق (مانند «کمال الدین»، «من لا یحضره الفقیه»، «علل الشرائع»، «عیون أخبار الرضا»، «ثواب الأعمال») و «الغیبه» شیخ طوسی اشاره کرد. بر اساس معیارهای یادشده و با حذف موارد تکراری، در مجموع ۳۵۸ روایت و گزارش تاریخی از مدرسه حدیثی قم شناسایی شده که در ادامه مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

۲. تحلیل محتوای مدرسه قم

محتوای روایات این مدرسه از دو نظر قابل بررسی است:

۲-۱. بر اساس منبع شناسی

منابع اصیل ۱۶۸ روایت معادل تقریبی ۴۷ درصد و منابع واسطه‌ای ۱۹۰ مورد معادل ۵۳ درصد از این دست منابع می‌باشد.

۲-۱-۱. منابع مستقیم

از مجموع ۱۶۸ روایت، توزیع روایات به شرح زیر است:

محاسن برقی: ۱۳ روایت معادل ۸ درصد

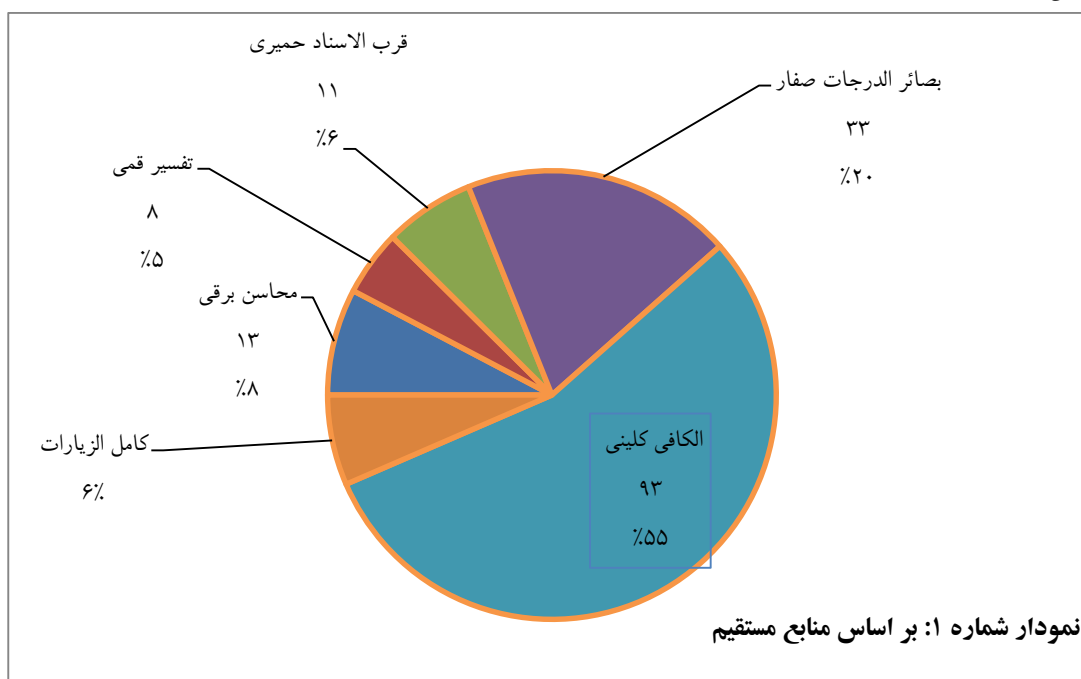
تفسیر قمی: ۸ روایت معادل ۵ درصد

بصائر الدرجات صفار: ۳۲ روایت معادل ۲۰ درصد

قرب الاسناد حمیری: ۱۱ روایت معادل ۶ درصد

الکافی کلینی: ۹۳ روایت معادل ۵۵ درصد

کامل الزیارات ابن قولویه: ۱۱ روایت معادل ۶ درصد



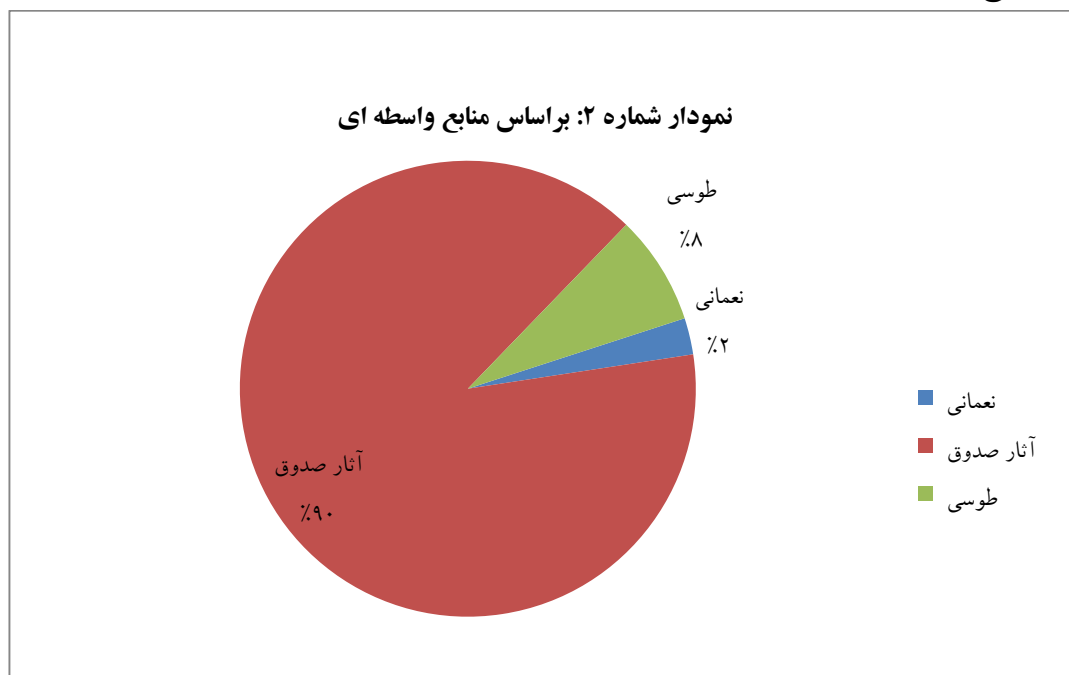
۲-۱-۲. منابع واسطه ای

از مجموع ۱۹۰ روایت، توزیع روایات در منابع واسطه‌ای به شرح زیر است:

الغیبه نعمانی: ۵ روایت معادل ۲ درصد

آثار شیخ صدوق: ۱۷۰ روایت معادل ۹۰ درصد

الغیبه شیخ طوسی: ۱۵ روایت معادل ۸ درصد



تحلیل و بررسی

همان‌گونه که هویداست، بیشترین نقل مؤثر در منابع مستقیم، توسط کلینی صورت پذیرفته است. وی با رویکرد جامع‌نگاری و در قالب تألیف «کتاب الحجّه»، ابواب متنوعی در موضوع امامت سامان داد و در این میان، به مضامین بنیادین مهدویت نیز اهتمامی ویژه ورزید که بخش عمده‌ای از این روایات را از میراث مدرسه حدیثی قم اخذ کرده است. در مقابل، دیگر تألیفات این عصر، عمدتاً فاقد نگاهی نظام‌مند به مسئله مهدویت هستند و روایات این عرصه، صرفاً به تناسب سیاق ابواب، به شیوه‌ای پراکنده و تصادفی بازتاب یافته‌اند. در منابع واسطه‌ای، شیخ صدوق با توجه به زیست خود در آن سامان، بیشترین مرادده و نقش را در بقای میراث قمی‌ها دارد. او نزدیک به ۹۰ درصد از احادیث قمی‌ها را در آثار خود درج کرده است.

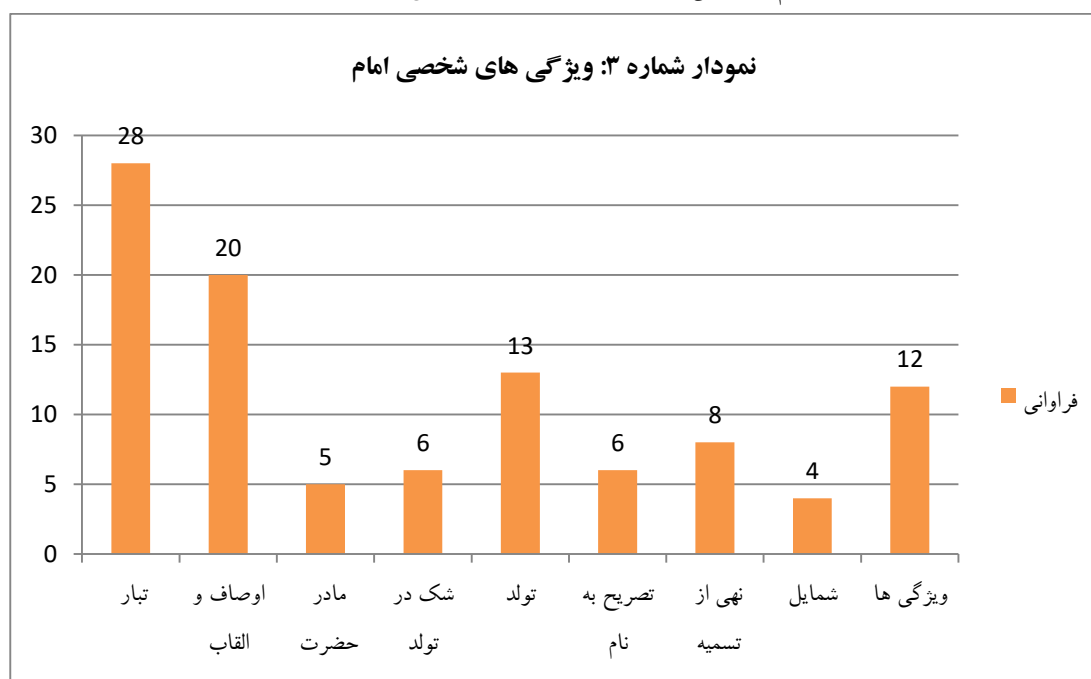
۲-۲. بر اساس موضوع

بر پایه تفکیک و واکاوی ۳۵۸ روایت، نزدیک به ۴۶۸ واحد تحلیل (شامل جملات، عبارات و مضامین حدیثی استخراج گردید). در نگاهی کل‌نگر، به‌منظور ساماندهی و تدوین نظام موضوعی، این واحدهای تحلیلی را می‌توان

در چهار محور اصلی دسته‌بندی نمود. شایان ذکر است که نگارنده در این مقاله، با توجه به محدودیت‌های متعارف، تنها بخش‌های مهم و کلیدی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۲-۱- ویژگی‌های شخصی امام مهدی

از مجموع روایات، ۲۸ واحد معادل ۲۵ درصد به ویژگی‌های شخصی امام مهدی مانند تبار امام، نام حضرت، القاب، اوصاف ظاهری و معنوی امام، شمایل، تولد، شک در تولد و نهی از تسمیه اختصاص دارد.



۲-۱-۱- تبار امام مهدی

نمودار فوق نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی موضوعی، به «شناخت دقیق امام» اختصاص دارد که در قالب دو محور «تبار» و «اوصاف» امام تبلور یافته است. در بخش تبار، ۱۷ واحد تحلیلی (معادل ۶۰ درصد) امام مهدی (عج) را از نسل امام حسین (ع) دانسته‌اند (رک: صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۱۷). همچنین ۱۱ واحد تحلیلی (معادل ۴۰ درصد) ایشان را از خاندان پیامبر (ص) و فرزند دیگر اهل بیت (ع) معرفی کرده‌اند (رک: حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۱).

۲-۲-۱. القاب امام

از بررسی مجموع روایات، حدود ۲۰۰ واحد تحلیلی به القاب امام اختصاص یافته که حضرت بدان‌ها شناخته می‌شوند. ۷۵ درصد از این موارد به لقب «قائم»، ۱۰٫۵ درصد به «مهدی» و ۱۳٫۵ درصد به واژه‌هایی همچون «صاحب‌الامر»، بقیه الله، حجت بن الحسن و مشابه آن اشاره دارد. فراوانی چشمگیر لقب «قائم» در روایات مدرسه قم، حاکی از جایگاه ویژه این واژه در گفتمان اهل‌بیت (ع) است. در میان محدثان قمی، برقی در «محاسن» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۶۱)، علی بن ابراهیم در «تفسیر قمی» (منسوب به قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۵)، صفار در «بصائر الدرجات» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۱)، حمیری در «قرب‌الاسناد» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵) و کلینی در «الکافی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۳۴)، با بسامد قابل توجهی به لقب «قائم» پرداخته‌اند. در مقابل، واژه‌های «مهدی» و «صاحب‌الامر» به صورت پراکنده در سراسر دوره مدرسه قم نقل شده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳ و...).

جالب آنکه برقی در کتاب «محاسن» تنها از لقب «قائم» استفاده کرده و از سایر القاب در نقل روایات بهره نبرده است. دو لقب «حجت بن الحسن» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۰۷) و «بقیه‌الله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۱) که امروزه از شهرت گسترده‌ای برخوردارند، در منابع محدثان قمی کمتر مشاهده می‌شوند.

۲-۲-۳. مادر امام

در باب نام مادر امام (عج)، در مجموع پنج گزارش در میان محدثان قم وجود دارد. در دو گزارش، به دو نام «نرجس» و «صقیل» اشاره شده که هیچ‌یک به معصوم (ع) منسوب نیست و در منابع اصیل و نخستین قم نیامده است. صدوق در دوران پسین، به نقل از قمی‌ها به این نام‌ها اشاره کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۵۹). محدثان قم، کنیزبودن مادر امام را مسلم دانسته‌اند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ص ۳۶۹ و ۳۷۱) از این رو تعدد نام برای کنیزان امری متداول بوده و مواردی چون علاقه مالک به یکی از کنیزان و استفاده از نام گل‌ها برای نامیدن آنان، مطابق با فرهنگ عربی است. همچنین، پنهان‌داری نام و مشخصات مادر امام از حکومت عباسی می‌تواند از دیگر علل تنوع نام باشد (صدر، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۲). در باب ملیت ایشان، برخی گزارش‌ها بدون ذکر جزئیات، این بانو را پرورش‌یافته خانه حضرت حکیمه (س) معرفی می‌کنند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ص ۴۲۶). تنها در یک گزارش، ایشان سودانی دانسته شده که نخستین بار توسط کلینی در «الکافی» نقل شده است؛ آنجا که امام رضا (ع) به عموی خود فرمودند: «يَا عَمَّ أَلَمْ تَسْمَعْ أَيُّ وَهُوَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَأَيِّ ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ ابْنِ التَّوْبَةِ الطَّيِّبَةِ الْقَمِ الْمُنْتَجَبَةِ الرَّحِمِ... وَهُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتَوَّرُ بِأَبِيهِ وَجَدَّهِ صَاحِبِ الْعَبَّيَةِ يُقَالُ مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَيُّ وَادٍ سَلَكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۳).



ملا صالح مازندرانی این حدیث را کنایه از مادر امام عصر (عج) دانسته است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۱۹۶). عبارات به کار رفته در این روایت با سایر احادیث نیز تأیید می شود (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۲۹). از دیگر نکات، نقل روایتی درباره وفات مادر حضرت در دوران حیات امام عسکری (ع) است. این گزارش نخستین بار توسط شیخ صدوق از فردی به نام ابوعلی خیزرانی - که آن را از کنیزش نقل کرده - روایت شده است، «صیقل (مادر امام) در حیات امام حسن عسکری (ع) درگذشت و بر سر قبر او لوحی نصب شده که بر آن نوشته اند: این قبر مادر محمد است» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱). بر این گزارش اشکالاتی متعددی وارد شده است مانند:

اول، این روایت مستند به معصوم (ع) نیست، بلکه صرفاً گزارشی از یک کنیز است که خود او و نیز راوی حدیث (ابوعلی خیزرانی) هر دو مجهول هستند. دوم، این گزارش با روایاتی که به حیات مادر امام پس از شهادت امام عسکری (ع) اشاره دارند، در تعارض است. نجاشی در شرح حال «محمد بن علی بن حمزه» - ضمن توثیق وی - تصریح می کند، «مادر صاحب الامر پس از وفات امام حسن عسکری (ع) در خانه او زندگی می کرده است» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۷). همچنین در گزارش دیگری، شیخ صدوق به رویداد شهادت امام عسکری (ع) اشاره می کند که در آن روز، صیقل در امر وضو یاری رسان حضرت بود و اندکی پس از آن، امام به شهادت رسید (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۷۳). سوم، محتوای این روایت غیرمتعارف و غلوآمیز است. در ادامه، کنیز ادعا می کند: چون سید (امام مهدی (عج)) متولد شد، نوری درخشان دیدم که از وجودش ساطع شد و تا آسمان بالا رفت و مرغان سپیدی مشاهده کردم که از آسمان فرود می آمدند و پره های خود را به سر و صورت و دیگر اعضای بدنش می مالیدند و سپس پرواز می کردند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱).

۲-۱-۴. تولد حضرت

به طور کلی درباره تولد امام دو دسته روایات را می توان نام برد:

دسته اول: روایات خفای ولادت) عباسیان حاکم بر سامرا و بغداد، برای کنترل زندگی امام حسن عسکری (ع) و جلوگیری از تولد آخرین ذخیره الهی، تلاش های فراوانی به عمل آوردند. به نقل از محدثان قم، آنان توطئه قتل زودهنگام امام را در سر می پروراندند که در این امر ناکام ماندند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۰۷). بر همین اساس، اعلام عمومی تولد حضرت در میان اقشار مختلف مردم، خلاف مصلحت مسئله امامت تلقی می گردید. از این رو، پنهان داری ولادت امام در روایات، به عنوان یک سیاست پیش بینی شده تثبیت گردید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۱).

مطابق این رویکرد، برای پیشگیری از تردید پیروان، یکی از ویژگی‌های زندگی امام، «شک در ولادت» ایشان معرفی شد. در همین راستا، روایاتی از سوی ائمه معصومین (ع) در این زمینه صادر گردید؛ از جمله روایت امام صادق (ع) که فرمود، «... هُوَ الَّذِي يُشْكُ فِي وَلَادَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷). مجموع روایات مربوط به شک در ولادت، به شش گزارش می‌رسد.

دسته دوم: روایات گزارش ولادت) در مدرسه قم، درباره تولد و مشاهده امام، سیزده مفهوم وجود دارد. این روایات همگی از دوران کلینی به بعد نقل شده‌اند؛ اما میان این نقل‌ها تفاوتی چشمگیر مشاهده می‌شود: کلینی در تلاش خود برای اثبات تولد، صرفاً به اصل وقوع تولد؛ بدون تفصیل به جزئیات اشاره دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱ و ۵۱۴). در مقابل، صدوق با بسامد بالاتر و با تفصیل بیشتر، به وقایع تولد پرداخته است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۲۶ و ۴۳۰).

دربار یکی از این گزارش‌ها، نگاهی معجزه آسا قابل ملاحظه است. شیخ صدوق به وقایعی همچون سخن گفتن امام در شکم مادر، غیب شدن نرجس خاتون در لحظه تولد، نگهداری امام توسط پرندگان به مدت چهل روز، و بزرگ شدن حضرت در طی چهل روز به اندازه یک کودک یک‌ساله اشاره کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۲۶). در زنجیره سند این روایات، افراد مهملی چون محمد بن ابراهیم کوفی (نمازی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۶۶) و محمد بن عبدالله الطهوی حضور دارند.

به نظر می‌رسد نقل این‌گونه گزارش‌ها در دورانی از مدرسه قم، به عنوان «غلو» تلقی می‌شده است؛ چرا که محدثان دوره نخست، همچون کلینی، به نقل از حضرت حکیمه (س) تنها به این عبارت اکتفا کرده‌اند، «حَكِيمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ بِنِ عَلِيٍّ وَ هِيَ عَمَّةُ أَبِيهِ أَتَتْهُ رَأْتُهُ لَيْلَةَ مَوْلِدِهِ وَ بَعْدَ ذَلِكَ»؛ حکیمه دختر امام محمد تقی (ع) برایم روایت کرد که او را در شب ولادتش و پس از آن دیدم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱). اما در ادامه، حسین بن حمدان (م ۳۳۴) که از غالیان آن دوران به شمار می‌رود در کتاب «الهدایة الکبری» گزارش‌های مفصل و مذکور را آورده است (خصیبی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۷).

البته نقل ویژه صدوق با اسناد قمی را می‌توان با رویکرد نص‌گرایی مدرسه قم توجیه نمود. قمی‌ها، با وجود پرهیز شدید از اخبار ضعیف، از آنجا که کاملاً به اخبار و نصوص دینی وابسته بودند و برای عقل در مقوله فهم و استنباط شریعت جایگاه چندانی قائل نبودند، ناگزیر به اعتماد و تکیه بر اخبار به‌ویژه در موارد کمبود نص در یک مسئله بودند (جباری، ۱۳۸۴ش، ص ۴۱۰). روایات مربوط به تولد نیز، از آنجا که به مراتب کمتر از دیگر روایات مهدوی هستند، ناچار همان مقدار موجود را نقل کرده‌اند.



افزون بر نکته پیشگفته، اعتقاد صدوق به حجیت اخبار آحاد می‌تواند توجیه دیگری برای نقل این گونه روایات باشد. به‌طور نمونه با نگاهی به کتب شیخ صدوق به‌راحتی می‌توان دریافت که او حتی در مسائل اعتقادی نیز بر طبق اخبار آحاد حکم می‌کرده است به‌عنوان نمونه می‌توان کتاب اعتقادات و کتاب التوحید او را نام برد که بر اساس اخبار آحاد حکم کرده است.

۲-۱-۵. نام امام

مورد دیگر، روایات مربوط به «تسمیه امام مهدی (عج)» است که در ۱۴ واحد (روایت و گزارش) نقل شده است. از این تعداد، ۶ مورد به ذکر اسم خاص (م ح م د) و ۸ مورد به روایات نهی از تسمیه اختصاص دارد. این روایات از دوره کلینی به بعد مطرح شده‌اند؛ وی باب مستقلی با عنوان «نهی از تسمیه» ترتیب داده و در آن به احادیث حرمت نام امام اشاره کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳). با این حال، در موارد متعددی، روایاتی نقل کرده که در آنها به اسم امام تصریح شده است. نکته جالب‌تر آنکه گاه از یک راوی - مانند محمد بن یحیی - هم روایات نهی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳) و هم روایات جواز (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۲۷) نقل شده است. این امر در مورد سعد بن عبدالله اشعری نیز صادق است که در گزارش‌های خود به هر دو دسته روایات اشاره دارد (صدوق، ۱۳۹۵ش، ج ۲، ص ۳۸۱ و ۳۸۵). از این رو، روشن می‌شود که مدرسه قم در نقل این دسته از روایات حساسیت خاصی نداشته و هدف اصلی، صرفاً حفظ میراث حدیثی شیعه بوده است.

۲-۱-۶. شمایل امام

نکته دیگری که در نمودار قابل ملاحظه است، نقل اندک روایات مربوط به شمایل حضرت می‌باشد. مجموع گزارش‌های منقول در «بصائر الدرجات» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۹)، «کمال‌الدین» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۴۵) و «الغیبه» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۰)، حاکی از عدم اهتمام مدرسه قم به این موضوع است. آنچه در این گزارش‌ها شایان توجه می‌نماید، نقل تشرف ابراهیم بن مهزیار و توصیف سیمای امام توسط اوست. وی در این گزارش، حضرت را چنین توصیف کرده است، «جوانی ساده‌رو، با سیمایی درخشان، دندان‌هایی زیبا، ابروانی پیوسته، هیكلی فربه‌گونه و بینی‌ای کشیده...» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۴۶). در کتب معتبر رجال شیعه، دو برادر با عنوان «ابن مهزیار» معرفی شده‌اند: یکی علی بن مهزیار اهوازی و دیگری ابراهیم بن مهزیار اهوازی. درباره‌ی علم، تقوا، وثاقت و منزلت والای علی بن مهزیار هیچ تردیدی وجود ندارد (کشی، ۱۳۸۴ق، ص ۵۴۹ و ۵۶۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۴)، اما در مورد برادرش ابراهیم بن مهزیار اختلاف نظر مشاهده می‌شود (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۳۰۴-۳۰۵). کلینی در گزارشی که راویان آن ضعیف شمرده شده‌اند به وفات ابراهیم بن مهزیار پس از شهادت امام

عسکری(ع) اشاره دارد. در این گزارش، امام در توقیعی فرزند وی را به جای پدر منصوب می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۸) کشی نیز نقلی مشابه دارد، ولی بدون تصریح به وکالت؛ تنها به وصیت ابراهیم به فرزندش اشاره می‌کند که اموال را به شخصی با نشانی خاص تحویل دهد. سرانجام فرزند، نایب امام را ملاقات و اموال را به او می‌سپارد (کشی، ۱۳۸۴ق، ص ۵۳۱).

این دو گزارش، تنها اطلاعات موجود درباره ابراهیم بن مهزیار است. اگر وی واقعاً دارای مقام وکالت بوده، تلاش او برای دیدار امام مهدی(عج) بی‌معنا می‌نماید؛ مگر آنکه این ملاقات پیش از دوران وکالتش رخ داده باشد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۴۵).

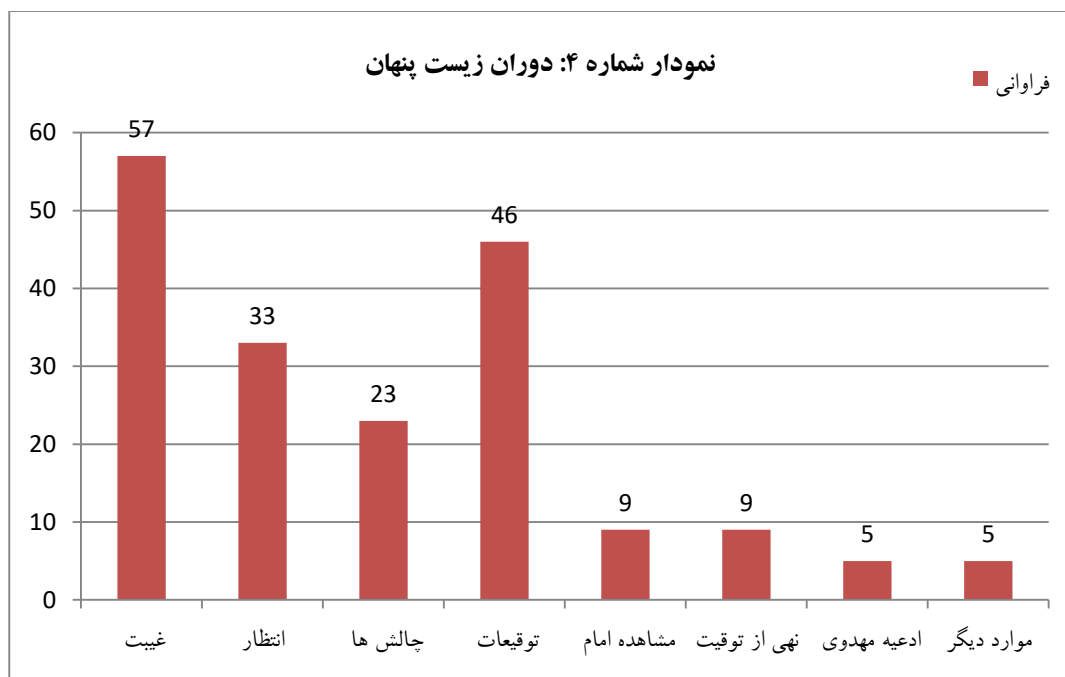
گذشته از موارد پیشین و حتی با فرض توثیق وی، در این گزارش آمده است: «به خدا سوگند، پیشانی محمد و موسی (فرزندان حسن بن علی علیه السلام) را نورانی و درخشان می‌بینم و من سفیر آنها هستم تا اخبارشان را به تو برسانم» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۴۲). حال آنکه برای امام عسکری(ع) تنها یک فرزند یعنی حضرت مهدی(عج) ثابت شده است و ادعای دو فرزند برای ایشان، آشکارا با اجماع شیعه در تعارض است (رک: عطاردی، ۱۳۹۱، ص ۵۰). در برخی گزارش‌ها، راوی ملاقات با امام «علی بن ابراهیم بن مهزیار» معرفی شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۶۵). این نام در منابع رجالی متقدم وجود ندارد و اگر چنین شخصیتی واقعاً وجود داشته، اطلاعاتی درباره وثاقت و صداقت او در دست نیست و تنها در همین گزارش تشریف از او یاد شده است.

این ادعا که «علی بن ابراهیم بن مهزیار» ممکن است همان «علی بن مهزیار» مشهور باشد، به دلایل متعدد مردود است. زیرا علی بن مهزیار از اصحاب برجسته امام رضا(ع)، امام جواد(ع) و امام هادی(ع) بود و منصب وکالت و نیابت را از سوی دو امام اخیر به عهده داشت؛ توقیعاتی نیز در تمجید او صادر شده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۵). اگر وی در عصر امام عسکری(ع) زنده می‌ماند، قطعاً گزارش‌های متعددی از ارتباطش با امام نقل می‌شد، حال آنکه چنین نیست و این نشان می‌دهد که وی پیش از دوره امامت امام عسکری(ع) یا در اوایل آن درگذشته است. بقای او تا عصر غیبت مستلزم عمری غیرعادی است، در حالی که رجال‌شناسان با وجود اشاره به وثاقت و مقام علمی به عمر طولانی وی اشاره‌ای نکرده‌اند. برخی محققان معاصر نیز بر این باورند که دلیلی بر زنده ماندن وی تا دوران امام عسکری(ع) وجود ندارد (خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲، ص ۱۹۸). همچنین گزارش‌هایی از درگذشت او پیش از شهادت امام عسکری(ع) وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۱۰).

علاوه بر عدم امکان انطباق تاریخی، اشکال دیگر این است که علی بن مهزیار از نزدیکان و وکلای ائمه بود؛ چگونه ممکن است طبق متن حدیث، سالیان متمادی برای دیدار حضرت به حج رود و در جست‌وجوی ورثه امام باشد؟ بنابراین، نمی‌توان این دو شخصیت را یکی دانست.

۲-۲-۲. دوران زیست پنهان

از مجموع روایات، ۳۷ درصد به دوران زیست پنهان امام اختصاص دارد. محور اصلی این روایات بر موضوعاتی همچون غیبت (اصل غیبت، انواع و علل آن)، انتظار، چالش‌ها و بحران‌های پیش روی شیعه، ملاقات با امام، توقیعات، نهی از تعیین زمان ظهور، و موارد جزئی دیگری مانند ادعیه و... تأکید دارد.



۲-۲-۲-۱. غیبت

نمودار فوق نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی روایات در این دسته، مربوط به موضوع غیبت امام مهدی (عج) است. کلینی با ۲۱ واحد (معادل ۳۷ درصد) و صدوق با ۳۶ واحد (معادل ۴۵ درصد) به اصل غیبت و ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. بسامد بالای روایات غیبت حتی در دوران پیش از کلینی، حاکی از اهمیت بنیادین این مسئله در مکتب امامیه است. پرداختن به موضوع غیبت در سال‌های نخستین غیبت امام، از مباحث جوهری امامیه به شمار می‌رود.

در کنار این مسئله، روایات انتظار به عنوان عاملی امیدبخش برای شیعیان مطرح شد و همچنین توقیعات با کارکردی مؤثر در تأیید وجود امام و تداوم ارتباط ایشان با جامعه شیعی نقل و انتشار یافت. در ادامه، برای حفظ وحدت شیعیان و پیشگیری از فرقه‌گرایی، بر روایات تمسک به امام واحد و پرهیز از فتنه‌ها تأکید شد. البته تصور اینکه این روایات صرفاً متناسب با جامعه قم باشد، دشوار می‌نماید؛ چرا که قم جامعه‌ای یکدست و شیعه‌نشین بود که پیوندی ناگسستنی با ائمه (ع) داشت. از این رو، نقل این روایات عمدتاً با هدف حفظ و انتقال میراث حدیثی شیعه انجام گرفته است.

۲-۲-۲. انتظار

آموزه انتظار فرج در روایات مدرسه قم با واژگانی چون «انتظار»، «منتظر» و «تَوَقُّع» بیان شده است. در این روایات، انتظار ظهور قائم (عج) به عنوان یکی از شاخصه‌های برجسته دینداری معرفی شده و شیعیان به آن ترغیب گردیده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۱). برقی نخستین محدثی است که روایات متنوعی در این زمینه نقل کرده است. در این روایات، فضیلت انتظار فرج به حضور در خیمه قائم (عج)، همراهی با رسول الله (ص) و شهادت در رکاب حضرت تشبیه شده است (برقی، ۱۳۷۱ق ج ۱، صص ۱۷۳-۱۷۴). پس از وی، دیگر محدثان قمی نیز به این موضوع پرداخته‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۲۲-۲۳). در همه این روایات، واژه «انتظار» همراه با عبارت «هذا الأمر» به کار رفته که با توجه به قرائن متنی، مراد از آن امر امامت و تحقق حکومت حضرت مهدی (عج) است. بنابراین، محتوای این روایات بر انتظار فعال برای برپایی حکومت مهدوی تأکید دارد.

۲-۲-۳. توقیعات

یکی از نکات قابل توجه، فراوانی نقل توقیعات در میان محدثان قمی است. در منابع اولیه قم، همچون «تفسیر قمی»، «بصائر الدرجات» و «قرب الاسناد»، گزارش روشنی از توقیعات دیده نمی‌شود. اما در دوره‌های بعد، کلینی در باب «مولد صاحب الزمان (عج)» به مکاتبات شیعیان با امام مهدی (عج) اشاره کرده است. وی بیشتر این مکاتبات را از علی بن محمد علان کلینی نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۵۱۸، ۵۲۱ و ۵۲۲). احتمالاً این روایات از کتاب «اخبار القائم» علان کلینی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۰) اخذ شده است. کلینی تنها یک توقیع از قمی‌ها - آن هم از حسین بن محمد اشعری - درباره تمدید وکالت وکیلان نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۲۴). پس از او، شیخ صدوق با نقل ۴۱ توقیع (معادل ۸۶ درصد از کل توقیعات) در «کمال الدین»، بیشترین سهم را در ثبت این اسناد دارد. در نهایت، شیخ طوسی در «الغیبه» با ۴ گزارش، به نقل توقیعات قمی‌ها پایان داده است. در این باره چند نکته قابل ذکر است:



اول، از مجموع ۴۶ توقیع ثبت شده، ۳۶ مورد از طریق سعد بن عبدالله اشعری نقل شده است. توقیعات منقول وی در «کمال الدین» گردآوری شده که برخی اسناد آن به صورت تحویلی یا تعلیقی است مورد استناد قرار گرفت (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۹۵). به نظر می‌رسد سعد بن عبدالله نیز همانند کلینی بخشی از توقیعات را از علان کلینی و کتاب «اخبار القائم» نقل کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۴۸۵-۴۹۰). مقایسه گزارش‌های کلینی و سعد بن عبدالله نشان می‌دهد که هر یک، روایات متمایزی از علان کلینی ثبت کرده‌اند (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۵۱۸، ۵۲۱-۵۲۲ و صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۴۸۵، ۴۸۷-۴۹۲). احتمالاً حجم روایات علان کلینی گسترده بوده و صدوق، با توجه به شهرت «الکافی» و در دسترس بودن آن، روایاتی را گزینش کرده که در «الکافی» موجود نبوده است. این رویکرد، نشان‌دهنده تنوع منابع و دقت محدثان قمی در نقل و حفظ میراث روایی شیعه است.

دوم، با توجه به فراوانی توقیعات در گزارش‌های سعد بن عبدالله، کتابی با عنوان «توقیعات» که در آن دوران در قم مرسوم بوده است (رک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، صص ۲۲۰ و ۳۳۴) در فهرست آثار وی مشاهده نمی‌شود. تنها احتمال قابل طرح این است که سعد بن عبدالله این گزارش‌ها را به صورت شفاهی برای شاگردانی چون علی بن حسین بن بابویه نقل کرده باشد. یا با توجه به مضامین توقیعات که بر اثبات ارتباط شیعیان با امام خود دلالت دارد، می‌توان حدس زد که این دسته از روایات در کتاب «مناقب الشیعه» وی ثبت شده باشد.

سوم، در آثار برخی از محدثان قمی مانند عبدالله بن جعفر حمیری، کتابی با عنوان «التوقیعات» دیده می‌شود؛ اما در میان قمی‌ها، تنها سه توقیع از او و آن هم به واسطه صدوق (د ۳۸۱ق) نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۴۸۳، ۵۰۷ و ۵۱۰).

چهارم، محتوای توقیعات عمدتاً بر مسائل شخصی شیعیان متمرکز است، نه مسائل اعتقادی. برخلاف مدارس علمی دیگر مانند بغداد و سمرقند که به مباحث اعتقادی گسترده‌تری پرداخته‌اند؛ از جمله لعن کسانی که نام امام را فاش می‌کنند، تکذیب تعیین‌کنندگان وقت ظهور (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۴۸۲-۴۸۳)، یا مسائل فقهی مانند: خمس، حرمت آبجو، حرمت کنیز مغنیه، مسئله وقف، نماز جلوی آتش، و حرمت تصرف در اموال امام (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۴۸۴-۴۸۵، ۵۲۰ و ۵۲۲)، و همچنین امور مربوط به وکیلان و مدعیان دروغین مانند شلمغانی و احمد بن هلال (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۵۳ و ۴۰۵).

پنجم، در نگاهی کلی، محتوای این توقیعات در درجه اول به پاسخگویی سؤالات شخصی و فردی پیروان اختصاص دارد. با توجه به ماهیت خصوصی این نامه‌ها، سطح موضوعات مطرح شده محدود به مسائل شخصی افراد بوده و کمتر به مباحث بنیادین اعتقادی و معارف دینی پرداخته شده است.

۲-۲-۴. ادعیه مهدوی

یکی از نکات قابل توجه در داده‌های این پژوهش، کمبود چشمگیر ادعیه مهدوی در میراث حدیثی مدرسه قم است. از میان تمام گزارش‌های موجود، تنها دو دعای مستقل شناسایی شده است که هر دو دعا به‌طور ویژه برای دوران غیبت توصیه شده‌اند:

۱. دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ» با محوریت معرفت امام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷)؛

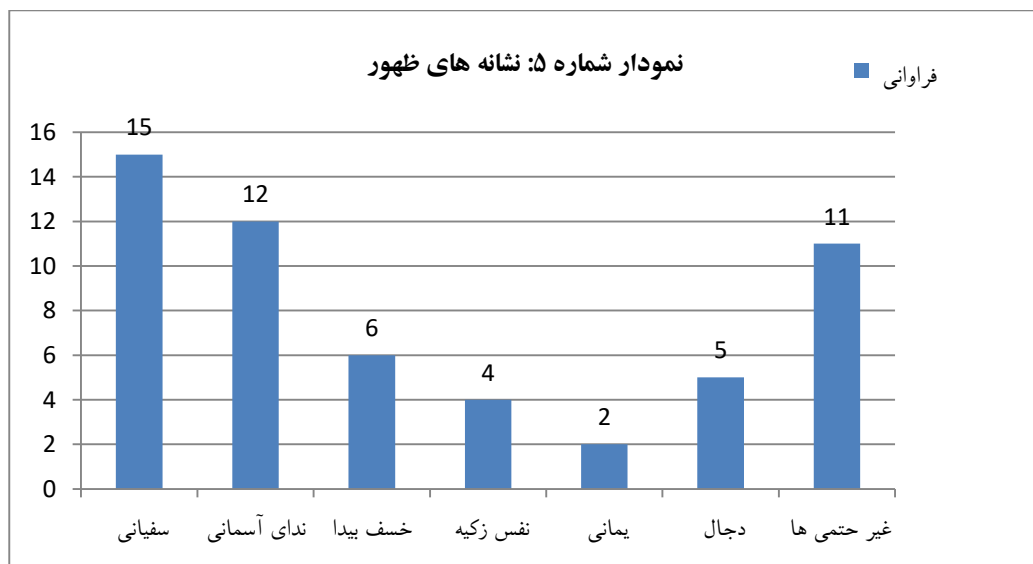
۲. دعای ثبات قدم در پیروی از اهل بیت (ع) (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۴۸).

در دوران‌های بعد، ادعیه مهدوی با فراوانی بیشتری نقل شده است. شیخ طوسی در «مصباح المتهجد» با عنوان «الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الْأُمْرِ» به دعایی از امام رضا (ع) اشاره می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۰۹). مشهدی نیز در «المزار الکبیر» در باب زیارات ائمه، زیارات سوم تا هفتم را به امام عصر (عج) اختصاص داده است (مشهدی، ۱۴۱۹ق، صص ۴۶۰-۴۷۲). علاوه بر این، در ادامه ادعیه مشهور دیگری مانند دعای ندبه (مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۵۷۳)، دعای عهد و زیارت آل یاسین (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۹۲) ترویج یافته‌اند. به نظر می‌رسد عدم نقل ادعیه مهدوی را نمی‌توان به گفتمان قمی‌ها نسبت داد، چرا که در میان محدثان قم، کتاب‌های متعددی در زمینه ادعیه و زیارات گزارش شده است. برای نمونه، احمد بن محمد بن خالد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۶)، احمد بن محمد بن حسین دول قمی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۵)، محمد بن اورمه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۰) و محمد بن حسن بن صفار (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۴) همگی دارای آثاری با عنوان «کتاب الدعاء» بوده‌اند. اگرچه هیچ‌یک از این آثار به‌طور کامل باقی نمانده، نمونه‌هایی از آنها توسط کلینی در «الکافی» نقل شده است. محتوای این آثار عمدتاً بر اصل دعا و ارتباط با پروردگار متمرکز بوده است. از سوی دیگر، افرادی مانند حسین بن سعید اهوازی (طوسی، بی‌تا، ص ۱۴۹) و حسین بن علی بن خزاز قمی (طوسی، بی‌تا، ص ۶۸) نیز دارای کتاب‌هایی در حوزه «المزار» و «الزیارات» بوده‌اند. هرچند این آثار می‌توانستند ظرفیت مناسبی برای دربرگیری ادعیه مهدوی باشند، به نظر می‌رسد وجود چنین ادعیه‌ای در آنها چندان مورد انتظار نبوده است. قرینه این ادعا، کتاب «کامل الزیارات» به عنوان مشهورترین اثر باقی‌مانده از آن دوران است که با وجود سبک مزارنویسی و پرداختن به ثواب زیارات معصومین (ع)، هیچ باب مستقل یا اشاره‌ای به ادعیه مهدوی یا زیارت امام مهدی (عج) در آن دیده نمی‌شود.

به نظر می‌رسد ظهور ادعیه مهدوی در دوران‌های متأخر، تا حدی متأثر از ادبیات شیعیانی باشد که برخی از آنها به اشتباه به عنوان «مأثور» تلقی شده‌اند. برای مثال، در «مصباح المتهجد»، محمد بن همام اسکافی دعایی را از محمد بن عثمان نقل کرده که تصریح می‌کند این دعا به املای همین وکیل امام بوده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۱۱). همچنین شیخ طوسی در ادامه به «دعای سمات» اشاره می‌کند و تصریح می‌نماید که آن را از عمّری (وکیل امام) نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۱۶). در «المزار الکبیر»، مشهدی به ادعیه مشهوری مانند «دعای ندبه» پرداخته که هیچ اشاره‌ای به انتساب آن به معصوم (ع) نشده است (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۷۳). وی همچنین به چهار دعا اشاره دارد که هیچ‌یک مستقیماً به امام معصوم منتسب نشده‌اند (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۸۵). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برخی از این ادعیه به دلیل عدم قطعیت انتساب به معصوم (ع)، در مدرسه قم نقل نشده‌اند. با این حال، برخی ادعیه دیگر مانند «دعای عهد» (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۶۴) و «زیارت آل یاسین» (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۶۸) - که به ترتیب از امام صادق (ع) و امام عصر (عج) نقل شده‌اند - مأثور به نظر می‌رسند. عدم نقل این ادعیه در مدرسه قم، ابهامی است که پاسخی قاطع برای آن یافت نشد.

۲-۳. نشانه‌های ظهور

از مجموع واحدهای تحلیل، نزدیک به ۱۰٫۵ درصد به روایات نشانه‌های ظهور اختصاص یافته است که شامل نشانه‌های حتمی (مانند خروج سفیانی، ندای آسمانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه و خروج یمانی) و نشانه‌های غیر حتمی (مانند خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، مرگ سفید و مرگ سیاه) می‌شود.



از مجموع مجموعه این علائم، ۱۲ مورد در منابع اولیه قم، ۱۱ مورد در «الکافی»، ۲۴ مورد در «کمال‌الدین» صدوق و یک مورد در «الغیبه» نعمانی با سند قمی ذکر شده است. در این باره نکاتی قابل توجه است:

اول، در همه این منابع، تنها به ۱۷ نشانه حتمی و غیرحتمی اشاره شده است. این تعداد در مقایسه با دیگر مدارس حدیثی شیعه بسیار اندک به نظر می‌رسد و نشان می‌دهد که در میان مدرسه قم، به ویژه در متون قدیمی تا دوره صدوق، مسئله نشانه‌های ظهور از اهمیت بالایی برخوردار نبوده است. یکی از قرائن این مدعا، عدم اختصاص باب مستقل برای نشانه‌های ظهور در آثار قمی‌ها، به ویژه در «الکافی» است. کلینی (با وجود گنجاندن ابوابی به مهدویت و حتی اشاره به برخی نشانه‌ها) هیچ باب مستقلی با عنوان «نشانه‌های ظهور» ترتیب نداده است؛ بلکه بیشترین اشارات به نشانه‌ها را در «کتاب الروضة» و به صورت پراکنده آورده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، صص ۲۰۹، ۲۷۴ و ۳۱۰). از دیگر قرائن کم‌اهمیتی این موضوع در مدرسه قم، فراوانی نقل روایات نشانه‌ها در دیگر مدارس است. برای نمونه، نعمانی در «الغیبه»، شیخ مفید در «الارشاد» و شیخ طوسی در «الغیبه» به نشانه‌هایی اشاره کرده‌اند که پیش از آنان سابقه‌ای در نقل نداشته است (سلیمیان، ۱۳۹۸ش، ص ۱۶۴).

دوم، همان‌گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود، در میان قمی‌ها، «سفیانی» بیشترین فراوانی روایی را دارد. نقل این موضوع در منابعی چون «تفسیر قمی» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۵)، «قرب‌الاسناد» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۴)، «الکافی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، صص ۲۶۴ و ۲۷۴) و «کمال‌الدین» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۵۰ و ۶۵۱) نشان می‌دهد که مسئله سفیانی در طول دوران مورد اهتمام مدرسه قم بوده است. پس از آن، «ندای آسمانی» و «خسف بیداء» نیز به همین ترتیب در منابع اولیه بازتاب یافته‌اند (رک: حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۳؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۰).

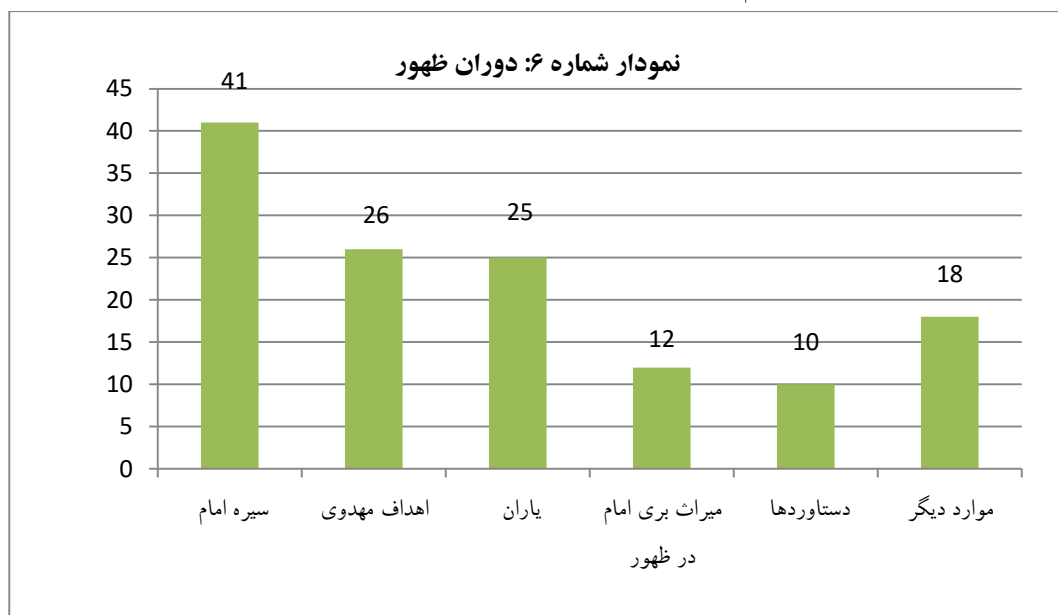
سوم، در خلال این بررسی باید اشاره کرد که در منابع اولیه قم، عمدتاً اصل نشانه‌ها به صورت کلی ذکر شده و کمتر به توضیح و تفصیل آنها پرداخته شده است. اما در دوره‌های پس از کلینی، در منابع واسطه‌ای، تفصیل بیشتری به این نشانه‌ها داده شده است. برای مثال، صدوق با استناد به اسناد قمی، درباره سفیانی به ویژگی‌های ظاهری، زمان خروج، مکان خروج و تصرف‌های وی اشاره می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۶۵۰، ۶۵۱ و ۶۷۲). همچنین درباره ندای آسمانی، به زمان این ندا و همراهی آن با «صیحه شیطانی» پرداخته شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۶۵۰ و ۶۵۲).

چهارم، مورد دیگری که در نمودار، به دلیل شباهت موضوعی، در کنار نشانه‌های ظهور نمایش داده شده، روایات مربوط به دجال است. دجال در منابع اولیه قم، مانند «محاسن» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۰) و

«بصائرالدرجات» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۹۷) و سپس در «الکافی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۶۰) به صورت کلی با عباراتی مانند «درک دجال» یا «خروج او» بدون ارتباط مستقیم با مهدویت مطرح شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این روایات ارتباطی با مهدویت نداشته‌اند. اما در آثار واسطه‌ای مانند «کمال‌الدین»، ارتباط دجال با مهدویت آشکار می‌گردد. وی در سندی قمی به ظهور دجال از سجستان (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۰) و در روایتی دیگر به قتل دجال به دست قائم (عج) اشاره می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۰). بنابراین، در میان قمی‌ها، آموزه دجال از اهمیت خاصی برخوردار نبوده است.

۴-۲-۲. دوران ظهور

از مجموع کل روایات، ۲۷٫۵ درصد به دوران ظهور اختصاص دارد. این روایات، موضوعاتی همچون میراث‌بری امام، یاران خاص حضرت، سیره امام در عصر ظهور و اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی را در بر می‌گیرد.



۴-۲-۲-۱. رفتار شناسی امام مهدی

همان‌طور که در نمودار نمایان است، بیشترین حجم روایات به سیره و رفتار امام مهدی (عج) در دوران ظهور مربوط می‌شود. این سیره شامل ابعاد مختلفی است همچون: رفتار حکومتی، مبارزاتی، قضایی، فقهی و اقتصادی. سهم «بصائرالدرجات» صفار و «الکافی» کلینی در این زمینه برجسته‌تر از دیگر منابع است؛ به گونه‌ای که ۲۰ مورد

(معادل ۴۹ درصد از مفاهیم) به این دو کتاب اختصاص دارد. نکته مشترک در این روایات، ترسیم رویکرد قاطع و انتقام‌جویانه امام در برابر گروه‌های معارض و مخالف است. برای نمونه، در «بصائر الدرجات» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۳) و «کامل‌الزیارات» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، صص ۶۳-۳۳۷) به روایات متعددی درباره کشتار و انتقام‌جویی امام مهدی (عج) اشاره شده است. حتی روایات فقهی نیز حاکی از برخورد شدید امام با کسانی است که واجبات دینی را رعایت نمی‌کنند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸). علاوه بر این، روایاتی که به مسئله اراضی می‌پردازند، حاکی از آن است که نگاه امام (عج) تنها معطوف به شیعیان بوده و دیگران در دولت مهدوی سهمی نخواهند داشت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷). به نظر می‌رسد این رویکرد (که در تقابل با نگاه رحمانی موعود پایانی قرار دارد) متأثر از شرایط دشوار آن دوران و خصومت با شیعیان شکل گرفته و روایات مربوط به آن، به صورت گزینشی و بدون تغییر به قم منتقل شده است. محدثان قم نیز با التزام به وظیفه حفظ میراث حدیثی، این رویکرد غالب را ثبت کرده‌اند. در مقابل، دسته‌ای دیگر از روایات، رفتار امام (عج) را مبتنی بر احکام الهی و قرآن دانسته و محور حرکت حکومت مهدوی را بر پایه اقامه قسط و عدل معرفی می‌کنند.

۲-۴-۲. نقل روایات یاران امام

از دیگر دیگر مواردی که در نمودار قابل مشاهده است، نقل روایات مربوط به یاران امام مهدی (عج) است. منابعی همچون «تفسیر قمی» (قمی، ج ۲، ص ۲۰۴-۲۰۵) «بصائر الدرجات» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۱) «الکافی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۱) از نخستین آثاری هستند که به موضوع یاران خاص حضرت و شمار ۳۱۳ نفری آنان اشاره کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسئله اصحاب امام و تعداد ایشان، همواره در کانون توجه محدثان مکتب قم قرار داشته است. با این حال، در میان روایات قمی‌ها، گزاره‌های ناهمگونی نیز مشاهده می‌شود که جایگاهی فوق‌العاده برای یاران امام ترسیم می‌کنند. برای نمونه، صفار روایتی شگفتی نقل می‌کند که بر اساس آن، در دوران امام صادق (ع) گروهی در شهری آنسوی دریا زندگی می‌کنند که هرگز خدا را معصیت نکرده و شیطان را نمی‌شناسند. آنان می‌پرسند قائم ما کی ظهور خواهد کرد؟، در حالی که عمر هر یک از ایشان هزار سال است. این افراد در دوران قائم حاضر می‌شوند و چنان قدرتی دارند که آهن در آنان اثر نمی‌کند و در جنگ‌ها امام را همراهی خواهند کرد (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۴۹۰). راوی این روایت «احمد بن محمد بن حسین» است که نامی مشترک میان چند تن می‌باشد و تنها «احمد بن محمد بن حسین قمی» (د ۳۵۰) توثیق شده است. با توجه به تاریخ درگذشت صفار (د ۲۹۰)، وی نمی‌توانسته است از این راوی که پس از او می‌زیسته روایت نقل کند. افزون بر این، در سلسله سند این روایت، افرادی مجهول‌الهویه مانند «بسطام» و «عمار» حضور دارند که بر ضعف سند می‌افزایند.



۲-۲-۳. میراث‌بری از اولیای الهی

یکی دیگر از موضوعات قابل توجه، نقل روایاتی است درباره میراث‌بری امام مهدی (عج) از اولیای الهی که به امور خارق‌العاده در دوران ظهور اشاره می‌کند. برای نمونه، در این روایات آمده است که حضرت، سنگ حضرت موسی (ع) را با خود حمل می‌کنند و یاران ایشان از آن سنگ ارتزاق می‌نمایند (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۸). صفار این روایت را از راویان ضعیفی چون موسی بن سعدان (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۰۴) و عبدالله بن قاسم بن حارث (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۶) نقل کرده است. در روایت دیگری به عصای حضرت موسی (ع) اشاره شده که هنگامی که دو لب آن گشوده شود، یکی در زمین و دیگری در سقف قرار می‌گیرد و فاصله میان دو لب آن چهل ذراع است و جادوگران را به زبان خود فرو می‌برد. (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴). راوی این حدیث، سلمه بن خطاب است که از دیدگاه رجالیان، ضعیف به شمار می‌رود (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۸). گفتنی است برخی معتقدند ابن ولید به دلیل نقل چنین روایاتی، کتاب «بصائر الدرجات» صفار را از فهرست آثار معتبر استثنا کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۴). نکته دیگر در این بخش، مفاهیمی است که در قالب ۱۸ واحد تحلیلی به نمایش درآمده‌اند. این گزاره‌ها در همه ادوار مدرسه قم به صورت پراکنده مطرح بوده و عمدتاً به سیمای جوان امام در روز ظهور، تاریخ روز ظهور و سیر حرکت امام مهدی (عج) در دوران ظهور اشاره دارند.

نتایج تحقیق

مدرسه حدیثی قم، از برجسته‌ترین مراکز علمی شیعه امامی به شمار می‌رود که از عصر حضور امامان معصوم (ع) تا آستانه غیبت کبری، تأثیر چشمگیری در حفظ و گردآوری روایات شیعی داشته است. در این مرکز علمی، احادیث مربوط به امام مهدی (عج) نیز همانند سایر روایات، به همت عالمان قمی ثبت و تدوین شده است. با این حال، رویکرد و محتوای این روایات، نیازمند واکاوی و پژوهشی عمیق و نظام‌مند بود که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. حاصل این بررسی، به نتایج زیر منجر گردیده است:

۱- در تحلیل محتوای روایات مدرسه قم، ۳۵۸ روایت و گزارش وجود دارد که با دو رویکرد منبع‌شناسی و موضوع‌محور مورد مطالعه قرار گرفته است. در رویکرد منبع‌شناسی، منابع اصیل و واسطه‌ای به تفکیک نمایش داده شده‌اند. در این میان، کتاب «الکافی» به عنوان یکی از منابع اصلی (با توجه به جامعیت آن و اهتمام ویژه مرحوم کلینی به مسئله امامت) روایات بیشتری را در خود جای داده است. پس از کلینی، آثار شیخ صدوق به عنوان مهم‌ترین منبع واسطه‌ای مدرسه قم شناخته شده است.

- ۲- بررسی موضوع‌های مورد اهتمام قمی‌ها در چهار محور «ویژگی‌های شخصی امام»، «زیست امام»، «نشانه‌های ظهور» و «مسائل دوران ظهور» به عنوان رویکردی دیگر مورد توجه قرار گرفته است.
- ۳- در باب ویژگی‌های شخصی امام مهدی (عج)، ایشان از نسل امام حسین (ع) شناخته شده و مادرشان به عنوان کنیزی باکرامت معرفی گردیده است. نام خاص ایشان (م.ح.م.د) ذکر نمی‌شود. نکته متمایز در بحث تولد، نقل برخی گزارش‌های تاریخی است که در دوره خاصی در مدرسه قم مورد نقل نبوده و احتمال می‌رود این نقل‌ها به دلیل غلوآمیز بودن نقل نشده یا پس از مرحوم کلینی افزوده شده باشد.
- ۴- یکی از موضوعات مهم دیگر، «دوران زیست پنهانی امام» است که در آن، روایات غیبت و انتظار از فراوانی بیشتری برخوردار است. نقل گسترده توقیعات از سعد بن عبدالله و مضامین غیراعتقادی آن نیز از دیگر ویژگی‌های این مدرسه به حساب می‌آید. همچنین عدم گزارش روشن از ادعیه مهدوی در دوران ابتدایی مدرسه قم، یکی از نقاط متمایز این مدرسه با مدارس بعدی است.
- ۵- نشانه‌های ظهور به عنوان سومین موضوع این مدرسه مطرح گردیده است. با نگاهی کلی، ۱۷ نشانه مورد نقل قرار گرفته که بیشترین آن به جریان سفیانی اختصاص دارد. نقل کلی روایات نشانه‌ها و عدم پرداختن به جزئیات آنها، از شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم است.
- ۶- آخرین موضوعی که در نوشتار مورد توجه قرار گرفته، «دوران ظهور و پس از آن» است. در میان محدثان، در نقل روایات سیره رفتاری امام همداستانی وجود ندارد؛ در برهه‌ای، برخی منابع به نمایش روایات سخت‌گیری امام پرداخته‌اند، در حالی که در منابع دیگر، نگاه رحمانی نظام امامت به تصویر کشیده شده است. به نظر می‌رسد نقل و انتقال این نوع روایات متأثر از سختی‌ها و فشارهای زمانه بوده است.
- ۷- در پایان، نکته قابل توجه این است که با بررسی منابع مؤلفان اصیل و مورد پژوهش تا قبل از دوران صدوق، می‌توان دریافت که رویکرد آنان نقل‌گرایانه است و هیچ‌گونه مباحث عقلی یا شرح عقلی در ذیل روایات مهدویت صورت نگرفته است. اساساً مسئله کلامی مانند مهدویت از مستقلات عقلی دور بوده و در نقل متبلور گردیده است. بعید نمی‌نماید که نقل برخی روایات مستبعد درباره تولد، یاران حضرت و اتفاقات عصر ظهور، منبع ترویج آن، همان رویکرد نص‌گرایی بوده است.

کتاب‌نامه

- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق)، *کامل الزیارات*، نجف: دار المرتضویه.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المزار الكبير*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵ش)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- حنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۱۳۹۷ش)، *روش های پژوهش کیفی*، تهران: نگاه دانش.
- جباری، محمد رضا (۱۳۸۴ش)، *مکتب حدیثی قم*، قم: انتشارات زائر.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *خلاصه الاقوال*، نجف: دار الذخائر.
- حمیری، عبد الله بن جعفری (۱۴۱۳ق)، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- خصیصی، حسین بن حمدان (۱۳۷۷ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: مؤسسه البلاغ.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحديث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۸ش)، *بررسی تحلیلی روایات نشانه های ظهور*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صدر، محمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبة الصغری*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر، محمد (۱۴۱۲ق)، *موسوعة الامام مهدی*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدوق، علی بن الحسین (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: انتشارات اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
- صفری، فروشانی، نعمت الله؛ احمدی کچایی، مجید (۱۳۹۱ش)، «چگونگی طرح و کلاء در منابع امامی در دوره غیبت صغرا»، *فصلنامه مشرق موعود*، سال ۶، دوره ۲۴، صص ۱۶۳-۱۷۷.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۶۱ش)، *الاحتجاج*، مشهد: نشر المرتضی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۱ق)، *رجال*، نجف: انتشارات حیدریه.
- طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، *الفهرست*، نجف: المکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، دار المعارف الإسلامیه، قم.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۹۱ش)، *مسند الامام العسکری*، تهران: عطارد.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتب.
- کامیاب، مسلم؛ طباطبائی، سید محمد کاظم (۲۰۲۴م)، *دراسه حول منهج علی بن ابراهیم القمی فی الروایات المهدویه فی تفسیر القمی*، *مجله وعد الامم فی القرآن و الحديث*، سال ۱، دوره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۸.

کامیاب، مسلم (۱۴۰۳ش)، «بررسی و تحلیل محتوایی روایات مهدوی قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۸۴، صص ۷۵-۱۰۰.

کشی، محمد بن عمر (۱۳۸۴ش)، *رجال*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی*، تهران: المكتبة الإسلامية.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *رجال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: مكتبة الصدق.

نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحديث*، تهران: فرزند مؤلف.

نیومن، آندرو جی (۱۳۸۶ش)، *دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی: گفتمان حدیثی میان قم و بغداد*، ترجمه مهدی ابوطالبی، محمد رضا امین و حسن شکر اللهی، قم: انتشارات شیعه شناسی.

Bibliography:

- Ibn Qūlawayh, Ja'far ibn Muḥammad (1937). *Kāmil al-Ziyārāt*. Najaf: Dār al-Murtaḍawiyya. (In Arabic)
- Ibn Mashhadī, Muḥammad ibn Ja'far (1998). *al-Mazār al-Kabīr*. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī. (In Arabic)
- Barden, Lawrence (1996). *Content analysis*. Translated by Malīḥa Āshtiyānī and Muḥammad Yamānī Dūzī. Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Barqī, Aḥmad ibn Muḥammad (1951). *Al-Maḥāsīn*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Khunīfar, Ḥusayn; Muslimī, Nāhīd (2018). *Qualitative research methods*. Tehran: Negahe Danesh. (In Persian)
- Jabbārī, Muḥammad Riḍā (2005). *Maktab-i Ḥadīth-i Qom*. Qom: Intishārāt-i Zā'ir. (In Persian)
- Ḥillī, al-Ḥasan ibn Yūsuf (1990). *Khulāṣat al-Aqwāl*. Najaf: Dār al-Dhakhā'ir. (In Arabic)
- Ḥimyarī, 'Abd Allāh ibn Ja'far (1992). *Qurb al-Isnād*. Qom: Mu'assasat Ālal-Bayt (PBUH). (In Arabic)
- Khuṣaybī, al-Ḥusayn ibn Ḥamdān (1957). *al-Hidāya al-Kubrā*. Beirut: Mu'assasat al-Balāgh. (In Arabic)
- Khu'ī, Abū al-Qāsim (1989). *Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth*. Qom: Markaz-i Nashr-i Āthār-i Shī'a. (In Arabic)
- Salīmīyān, Khadāmūrād (2019). *Analytical study of the narrations of the signs of the advent*. Qom: Research Institute for Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Ṣadr, Muḥammad (1991). *Tārīkh al-Ghayba al-Ṣughrā*. Beirut: Dār al-Ta'aruf lil-Maṭbū'āt. (In Arabic)
- Ṣadr, Muḥammad (1991). *Mawsū'at al-Imām al-Mahdī*. Beirut: Dār al-Ta'aruf lil-Maṭbū'āt. (In Arabic)



- Şadūq, 'Alī ibn al-Ḥusayn (1975). *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni'ma*. Tehran: Intishārāt-i Islāmiyya. (In Arabic)
- Şaffār, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1983). *Başā'ir al-Darajāt*. Qom: Maktabat Āyatollāh Mar'ashī. (In Arabic)
- Şafārī Furūshānī, Ni'mat Allāh; Aḥmadī Kachā'ī, Majīd (2012). "How lawyers are depicted in Imami sources during the period of the Minor Occultation." *Faslnāma-yi Mashriq-i Maw'ūd*, Year 6, Vol. 24, pp. 163–177. (In Persian)
- Ṭabarsī, Aḥmad ibn 'Alī (1982). *Al-Ihtijāj*. Mashhad: Nashr al-Murtaḍā. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1961). *Rijāl*. Najaf: Intishārāt al-Ḥaydariyya. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (n.d.). *Al-Fihrist*. Najaf: al-Maktaba al-Murtaḍawiyya. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1990). *Miṣbāḥ al-Mutahajjid wa Silāḥ al-Muta'abbid*. Beirut: Mu'assasat Fiḡh al-Shī'a. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1990). *al-Ghayba*. Qom: Dār al-Ma'ārif al-Islāmiyya. (In Arabic)
- 'Aṭārādī, 'Azīz Allāh (2012). *Musnad al-Imām al-'Askarī*. Tehran: 'Aṭārād. (In Persian)
- Qummī, 'Alī ibn Ibrāhīm (1983). *Tafsīr al-Qommī*. Qom: Dār al-Kutub. (In Arabic)
- Kāmyāb, Moslem; Ṭabāṭabā'ī, Seyyid Muḥammad Kāzīm (2024). "Dirāsa ḥawla manhaj 'Alī ibn Ibrāhīm al-Qommī fī al-riwāyāt al-mahdawiyya fī tafsīr al-Qommī." *Majallat Wa'd al-Umam fī al-Qur'an wa al-Ḥadīth*, Year 1, Vol. 1, pp. 113–138. (In Arabic)
- Kāmyāb, Moslem (2024). "Examination and Content Analysis of Mahdavi Narrations in Ghurba al-Asnad of Abdullah ibn Ja'far Hemyarie." *Majalla-yi Intizār-i Maw'ūd (Awaiting The Promised)*, No. 84, pp. 75–100. (In Persian)
- Kashī, Muḥammad ibn 'Umar (2005). *Rijāl*. Mashhad: Mashhad University Publications. (In Arabic)
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (1986). *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Māzandarānī, Muḥammad Ṣāliḥ ibn Aḥmad (1962). *Sharḥ al-Kāfī*. Tehran: al-Maktaba al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Najāshī, Aḥmad ibn 'Alī (1986). *Rijāl*. Qom: Jāmi'a-yi Mudarrisīn. (In Arabic)
- Nu'mānī, Muḥammad ibn Ibrāhīm (1977). *al-Ghayba*. Tehran: Maktabat al-Şadq. (In Arabic)
- Namāzī Shāhrūdī, 'Alī (1993). *Mustadrakāt 'Ilm Rijāl al-Ḥadīth*. Tehran: Farzand-i Mu'allif. (In Arabic)
- Newman, Andrew J. (2007). *The formation period of Twelver Shiism; Hadith dialogue between Qom and Baghdad*. Translated by Mahdī Abūṭalībī, Muḥammad Riḍā Amīn and Ḥasan Shukr Allāhī. Qom: Intishārāt-i Shī'a-shenāsī. (In Persian)